

بسم الله الرحمن الرحيم

امام صادق علیه السلام

إِذَا صُمْتَ فَلْيَصُمْ سَمْعُكَ وَبَصَرُكَ وَشَعْرُكَ وَجِلْدُكَ وَعَدَدَ أَشْيَاءَ غَيْرَ
هَذَا وَ... لَا يَكُونُ يَوْمٌ صَوْمِكَ كَيَوْمِ فِطْرِكَ.

هرگاه روزه گرفتی، باید گوش و چشم و مو و پوست و همه اعضای
دیگر روزه بگیرند و... نباید روزی که روزه می گیری، مانند روزهای
دیگر باشد.

محمد یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۸۷





واقعاً واسه چی؟

دفتر بیست و ششم



دفتر بیست و ششم

واقعاً واسه چی؟

- تهیه و تولید: اداره تولیدات فرهنگی ■ به کوشش: حجج اسلام محمد رضا طاهری، جعفر صدیقی، محمود زارعی و خانم‌ها منیره صرافان و هما بادی مهرآبادی
- ویراستار: سعیده تیمورزاده ■ طراح گرافیک و صفحه‌آرا: امین کوثری
- چاپ: مؤسسه فرهنگی قدس ■ نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۵ ■ شمارگان: ۵۰۰۰
- نشانی: حرم مطهر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی، مدیریت فرهنگی
- تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۹ ■ صندوق پستی: ۹۱۷۳۵-۳۵۱ ■ حق چاپ محفوظ است

فهرست

۸	به جای مقدمه
۱۲	موعظه دل
۱۷	لحظه ای تدبیر
۲۰	از کلام امیر
۲۳	نحوای عاشقان
۲۶	مسابقه فرهنگی

به جای مقدمه





این نوشتار، دفتر بیست و ششم از مجموعه سی جلدی تا بهشت است که ویژه ماه مبارک رمضان چاپ و اهدا می شود. امید آنکه ماهی پر از خیر و برکت را سپری کنیم.

به جای مقدمه، آغاز این سی جلد کتاب را مزین می کنیم به کلام روشنگر رهبر فرزانه مان:

از قبل از شروع ماه مبارک رمضان، پیامبر معظم اسلام ﷺ مردم را آماده می فرمود برای ورود در این عرصه خطیر و والا و پُربرکت. اگر بخواهیم در یک جمله ماه رمضان را تعریف کنیم، باید عرض کنیم: «ماه فرصت ها [ست]». فرصت های فراوانی در این ماه در برابر من و شماست. اگر از این فرصت ها بتوانیم درست استفاده کنیم، یک ذخیره عظیم و بسیار ارزشمندی در اختیار ما خواهد بود.



این یک ماهی است که شما در این ماه دعوت شده‌اید به میهمانی الهی. بعضی هستند که در این میهمانی عظیم اصلاً فرصت این را پیدا نمی‌کنند که به این دعوت‌نامه توجه کنند... بعضی‌ها هم بیشترین بهره را از این فرصت می‌برند.^۱

ماه رمضان یک فرصت بسیار مغتنم است برای اینکه خودمان را به خدا نزدیک کنیم، به کمال نزدیک کنیم، از مفاسد دور کنیم، از گناهان پاک کنیم. از هر روز و ساعتش باید استفاده کنیم.^۲

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۳ شهریور ۱۳۸۶.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۲ دی ۱۳۷۶.



اموری است که در این ماه می‌تواند حقیقتاً برای هرکسی مایهٔ برکت باشد: از قرآن درس بگیریم. از دعاها درس و حکمت بیاموزیم. قدری در هدف از خلقت خود، در آفرینش خود، در نعمت‌های بزرگ خدای خود و در وظایف عظیمی که بر دوش ماست، تأمل و تدبر کنیم. در مرگ و حساب الهی و ارزش عبادات و اعمال آنگاه که همراه با اخلاص باشد، تأمل کنیم. آن وقت، ماه رمضان حقیقتاً ماه مبارکی خواهد شد که امیدوارم برای همهٔ ما چنین چیزی در این ماه مبارک پیش بیاید.^۱



یہشت موعظہ دل



آقای صبوری سؤالش را دوبارہ پرسید. بچہ‌های کلاس برخلاف ہمیشہ ساکت بودند. اصولاً بچہ‌ها دوست داشتند در بحث‌های کلاسی شرکت کنند و بہ ہمین دلیل بین معلم‌ها، آقای صبوری را خیلی دوست داشتند؛ چون با طرح سؤال و جواب خواستن از بچہ‌ها، آن‌ها را مشتاق یادگیری می‌کرد.

آقای صبوری گفت: «بچہ‌ها، روی سؤالم فکر کردید؟ کی داوطلبہ کہ جواب بدہ؟» علی دستش را بلند کرد و گفت: «آقا اجازه؟ هدف از خلقت ما این بودہ کہ خدا ما رو توی این دنیا بیارہ تا امتحان بشیم کہ با نعمت‌هاش چہ کار می‌کنیم. این رو بابامون می‌گہ آقا!» آقای صبوری لبخندی زد و گفت: «آفرین علی جان! بفرما بشین.»

سعید گفت: «آقا معلم! خدا ما رو خلق کرده که درس بخونیم و آدم مهمی بشیم.» آقای صبوری همین طور که به طرف صندلی اش می رفت، به شوخی گفت: «چقدرم که شما درس می خونی! خسته نشی سعید آقا!» بچه ها زدند زیر خنده و در همین حال و هوا بودند که احمد ابروهای پُرپشتش را درهم کشید و گفت: «آقا اجازه؟ اومدیم توی دنیا که زندگی کنیم دیگه!» آقای صبوری عینکش را روی بینی اش جابه جا کرد و گفت: «همین؟! فقط زندگی کنیم؟ بدون هدف؟!»

امیرحسین با آن هیکل چاق و درشت، خودش را به زور از لای نیمکت کشید بیرون و با همان شیطنت همیشگی گفت: «آقا،



شاید خدا ما رو آفریده که زن بگیریم و تشکیل خانواده بدیم!» هنوز جمله‌اش تمام نشده بود که کلاس از خنده منفجر شد.

آقای صبوری با آرامش از روی صندلی بلند شد، دستی به محاسنش کشید، چند قدمی آمد سمت بچه‌ها و همان‌طور که لبخند به لب داشت، منتظر بود تا بچه‌ها دیدگاهشان را بگویند. عماد از جا بلند شد و با صدای بی‌جوهرش گفت: «آقا اجازه؟ من فکر می‌کنم خدا ما رو آفریده که بنده خوبی باشیم.»

آقای صبوری دستی به شانه عماد زد و گفت: «آفرین عماد! بشین پسرم!» بعد هم رفت جلوی تخته ایستاد تا همه را ببیند و ادامه داد: بچه‌ها، همه چیزهایی که گفتید درست بود: خدا ما رو



آفریده که توی این دنیا زندگی کنیم، تشکیل خانواده بدیم، امتحان بشیم و خوب و بدمون معلوم بشه و خیلی چیزهای دیگه؛ ولی هدف اصلی از خلقت ما انسان‌ها به گفته خودِ خدا، عبادت و بندگی خداست. خدا همه زمینه‌ها رو فراهم می‌کنه تا با اطاعتش رشد کنیم و به کمالی که برامون در نظر گرفته، برسیم. آیه‌ای که روی تخته می‌نویسم، یادداشت کنید و سعی کنید که حفظش کنید. این آیه جواب خودِ خدا به این سؤاله:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾

لحظه‌ای تدبر ی‌هاشت



﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۱

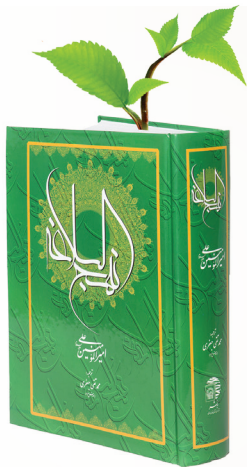
جن و انس را نیافریدم، جز برای اینکه عبادتم کنند [و از این راه، تکامل یابند و به من نزدیک شوند].

کمال معنوی و کمال الهی انسان‌ها این است که به عبودیت برسند. ﴿لِيَعْبُدُونِ﴾ را معنا کردند به ﴿لِيَعْرِفُونِ﴾. این معنایش این نیست که ... عبادت به معنای معرفت است؛ بلکه به معنای این است که عبادت بدون معرفت معنی ندارد، امکان ندارد، عبادت نیست.



بنابراین جامعه‌ای که به عبودیت خدا می‌رسد؛ یعنی به معرفتِ کامل خدا می‌رسد، تخلّق به اخلاق الله پیدا می‌کند. این، آن نهایت کمالِ انسانی است.^۱

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) در دیدار با دانشجویان استان کرمانشاه، ۲۴ مهر ۱۳۹۰.



یهشت از کلام امیر



امیرالمؤمنین، امام علی علیه السلام بیشتر اوقات، وقتی که روی منبر می‌نشستند، قبل از خطبه می‌فرمودند: ^۱

أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ فَمَا خُلِقَ امْرُؤٌ عَبَثًا فَيَلْهُوَ وَلَا تُرِكَ سُدًى
فَيَلْغُوَ وَمَا دُنْيَاهُ الَّتِي تَحَسَّنَتْ لَهُ بِخَلْفٍ مِنَ الْآخِرَةِ الَّتِي
قَبَّحَهَا سُوءُ النَّظَرِ عِنْدَهُ وَمَا الْمَغْرُورُ الَّذِي ظَفَرَ مِنَ الدُّنْيَا
بِأَعْلَى هِمَّتِهِ كَالْآخِرِ الَّذِي ظَفَرَ مِنَ الْآخِرَةِ بِأَدْنَى سُهُمَّتِهِ ^۲.

۱. ورام ابن ابی فراس، مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ص ۷۹.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۷۰.



ای مردم، از خدا بترسید که هیچ کس بیهوده آفریده نشده است تا به بازی پردازد و به حال خود رها نشده است تا خود را سرگرم کارهای بی ارزش کند و دنیایی که در نظر او زیبا جلوه می کند، جانشین آخرتی نشود که آن را زشت می پندارد و مغروری که در دنیا با همت والای خود، به پیروزی [در مقام] رسیده، چون کسی نیست که در آخرت به کمترین بهره رسیده است.

پیشگفتار

نجوای عاشقان



اَللّٰهُمَّ وَ اِنَّكَ مِنَ الضُّعْفِ خَلَقْتَنَا وَ عَلٰى الْوَهْنِ بَنَيْتَنَا وَ مِنْ مَّاءٍ
 مَّهِينٍ ابْتَدَأْتَنَا فَلَا حَوْلَ لَنَا اِلَّا بِقُوَّتِكَ وَ لَا قُوَّةَ لَنَا اِلَّا بِعَوْنِكَ فَائِيْدُنَا
 بِتَوْفِيقِكَ وَ سَدِّدْنَا بِتَسْدِيْدِكَ وَ اَعْمِرْ اَبْصَارَ قُلُوْبِنَا عَمَّا خَالَفَ
 مَحَبَّتَكَ وَ لَا تَجْعَلْ لِّشَيْءٍ مِنْ جَوَارِحِنَا نُفُوْذًا فِى مَعْصِيَّتِكَ.
 اَللّٰهُمَّ فَصِّلْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ وَ اجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوْبِنَا وَ حَرَكَاتِ اَعْضَائِنَا وَ
 لَمَحَاتِ اَعْيُنِنَا وَ لَهَجَاتِ اَلْسِنَتِنَا فِى مُوْجِبَاتِ ثَوَابِكَ حَتّٰى لَا تَفُوْتَنا حَسَنَةٌ
 نَسْتَحِقُّ بِهَا جَزَاءَكَ وَ لَا تَبْقٰى لَنَا سَيِّئَةٌ نَسْتَوْجِبُ بِهَا عِقَابَكَ^۱.



خداوندا، ما را از ناتوانی آفریدی و بر سستی بنیان نهادی و از آبی بی ارزش آفرینشمان را آغاز کردی؛ بنابراین ما را هیچ حرکتی نیست؛ مگر به نیروی تو و هیچ نیرویی نیست؛ مگر به یاری ات.

پس ما را به توفیق خود، تأیید کن و با راهنمایی خود [به راه راست] ارشادمان بفرما و چشم دل هایمان را در برابر آنچه برخلاف آیین مهرورزی توست، کور فرما و برای هیچ یک از اعضای ما در نافرمانی ات راه پیشرفتی قرار نده.

خدایا، پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و چنان کن که رازهای دل هایمان و حرکات اندام هایمان و دیدن دیدگانمان و سخنان زبان هایمان در راه کسب پاداش تو باشد تا هیچ کار نیکی که شایسته پاداشمان کند، از کفمان نرود و هیچ گناهی که سزاوار کیفرمان کند، برایمان باقی نماند.